

□ چرا این نویسندگان به غذایی که در کودکی می‌خوردند توجه کرده‌اند؟ غذایی که مصرف می‌کنیم برای همه ما با هویتمان و فرهنگ بزرگ تری که بخشی از آن هستیم رابطه دارد. غذا و الگوهای خوردن ممکن است برای افرادی که هویت تک فرهنگی ندارند- دو یا چند فرهنگی هستند- تبدیل به مشکل پیچیده‌ای شود. از دیدگاه عده‌ای غذا صرفاً چیزی است که نیازهای زیستی ما را تامین می‌کند، با وجود این، بسیاری از جامعه‌شناسان به دلیل اهمیت فرهنگی غذا و خوردن در زندگی ما، به این مسئله پرداخته‌اند (منل، ۱۹۹۶، منل، مورکانت و ون اوترو^۱ را ملاحظه کنید).

فرهنگ چیست؟ فرهنگ مجموعه‌ای از دانش، زبان، ارزش‌ها، آداب و رسوم و اشیای مادی گروه یا جامعه انسانی است که از یک فرد به دیگری و از یک نسل به نسل بعد منتقل می‌شود. همان طور که قبلاً تعریف شد، جامعه گروه‌بندی اجتماعی بزرگی است که قلمرو جغرافیایی مشخصی را اشغال می‌کند و تابع اقتدار سیاسی- و انتظارات فرهنگی حاکم است. از آنجا که جامعه دربرگیرنده مردم است، فرهنگ شامل ایده‌ها، رفتارها و دارایی‌های مادی است. جامعه و فرهنگ با یکدیگر رابطه درونی دارند، هیچ یک بدون دیگری وجود نخواهد داشت.

در این فصل، جامعه و فرهنگ را با توجه به چگونگی رابطه فرهنگ مادی ما از جمله غذایی که می‌خوریم، با اعتقادات، ارزش‌ها و اقداماتمان بررسی می‌کنیم. همچنین به تحلیل فرهنگ از دیدگاه‌های کارکردگرا، تضاد، تعامل‌گرای نمادین و پسامدرن می‌پردازیم. قبل از مطالعه ادامه بحث، اطلاعات خود را درباره غذا و فرهنگ با پاسخ دادن به پرسش‌های بسته ۱-۲ امتحان کنید.

فرهنگ و جامعه در جهان متغیر

فرهنگ تا چه اندازه تعیین‌کننده تفکر و اقدامات مردم در زمینه امور روزمره است؟ به زبان ساده، فرهنگ برای بقای شخصی و روابط ما با دیگران ضروری است. ما به فرهنگ متکی هستیم، زیرا با اطلاعاتی که برای بقا نیاز داریم به دنیا نمی‌آییم. ما هنگام تولد نمی‌دانیم چگونه از خودمان مراقبت کنیم، چگونه باشیم، چگونه بپوشیم، چه غذایی بخوریم، چه مذهبی داشته باشیم، چگونه پول به دست بیاوریم یا خرج کنیم. ما باید به عنوان عضوی از گروه، فرهنگ را از طریق تعامل، مشاهده و تقلید یاد بگیریم. سهیم بودن با دیگران در فرهنگی مشترک باعث تسهیل تعاملات روزانه می‌شود. با وجود این، ما باید سایر فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های جهانی مربوط به همین موضوع را بشناسیم.

فرهنگ، درست به همان اندازه که برای افراد ضروری است، زیربنای بقای جامعه نیز محسوب می‌شود. فرهنگ را «مخرج مشترکی» توصیف کرده‌اند که اقدامات افراد را برای گروه قابل فهم می‌کند (هاویلند، ۱۹۹۳: ۳۰). برخی از نظام‌های قانونی، موجودیت الزامی همه جوامع را می‌سازند و تقویت می‌کنند. برای مثال، اگر همه قوانین و مقررات ایالات متحده آمریکا ناگهان از بین بروند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ در سطح پایه، ما برای هدایت دوچرخه یا ماشین‌های خود در ترافیک به قواعدی نیاز داریم، در سطح انتزاعی‌تر، ما برای تثبیت حقوق خود و محافظت از آن نیازمند قانون هستیم.

جوامع برای بقا به قواعدی در مورد شکیبایی و نزاکت نیاز دارند. هنگام تولد نمی‌دانیم چگونه برخی از احساسات مشخص خود را به دیگران اظهار کنیم. هنگامی که فرد محبت یا نفرت خود را به دیگران نشان می‌دهد، عده‌ای ممکن است در توضیح این رفتار بگویند: «خوب، این دقیقاً سرشت انسان است». چنین اظهاراتی مبتنی بر این فرض است که سرشت^۱ (ساختار ژنتیکی و زیستی ما) تعیین‌کننده کاری است که ما به عنوان انسان انجام می‌دهیم، و پرورش^۲ (محیط اجتماعی ما) در آن قسطی ندارد؛ به عبارت دیگر، رفتار ما غریزی است. غریزه^۳ یک الگوی رفتاری آموخته نشده و مبتنی بر ساختار بیولوژیکی است که در اعضای همه گونه‌های زیستی عمومیت دارد و به صورتی پیش‌بینی‌پذیر در شرایط محیطی خاص رخ می‌دهد. برای مثال، عنکبوت‌ها تار تنیدن را یاد نمی‌گیرند. آنگاه دلیل غریزی که در اثر نیازهای زیستی اساسی مثل محافظت از خود و تولید مثل برانگیخته می‌شوند، تارها را می‌سازند.

انسان غریزه ندارد. در واقع، رفتارهایی را که غالباً غریزی می‌دانیم، می‌توان به سائق‌ها^۴ و واکنش‌ها نسبت داد. واکنش پاسخ آموخته نشده، غیرارادی و مبتنی بر ساختار بیولوژیکی ما به برخی از محرک‌های فیزیکی است (مثل عطسه کردن پس از تنفس مقداری فلفل از طریق بینی، یا پلک زدن هنگام ورود ذرات گرد و خاک به چشم). سائق، تکانه‌هایی^۵ آموخته نشده و بیولوژیکی است که در همه گونه‌های زیستی مشترک است و نیازهایی مثل نیاز به خواب، غذا، آب یا رابطه جنسی را ارضا می‌کند. واکنش‌ها و سائق‌ها نحوه زندگی در جوامع انسانی را تعیین نمی‌کنند. حتی نحوه بیان این

-
1. nature
 2. nurture
 3. instinct
 4. drive
 5. impulse

ویژگی‌ها نیز از فیلتر فرهنگ عبور می‌کند. برای مثال، ممکن است یاد بگیریم که راه مناسب عطسه کردن (یک پاسخ غیرارادی) استفاده از دستمال یا روی برگرداندن از دیگران است. یا ممکن است خوابیدن روی حصیر یا در رختخواب را یاد بگیریم. بسیاری از جامعه‌شناسان معاصر در این مورد اتفاق نظر دارند که فرهنگ حاصل یادگیری اجتماعی است نه سرشت.

چون انسان نمی‌تواند برای بقا به غریزه متکی شود، فرهنگ «جعبه ابزار» بقاست. به نظر آن-سویدلر^۱ جامعه‌شناس (۱۹۸۶: ۲۷۳)، فرهنگ «جعبه ابزار» نمادها، داستان‌ها، مراسم و دیدگاه‌های جهانی است و مردم ممکن است برای حل مشکلات مختلف به شکل‌های گوناگون از آن استفاده کنند. ابزاری که انتخاب می‌کنیم، بر اساس شخصیت فردی و شرایطی که با آن مواجه می‌شویم، متفاوت خواهد بود. ما عروسک‌های خیمه شب بازی نیستیم، بلکه در میان «جعبه ابزار» خویش دست به انتخاب می‌زنیم.

پسته ۱-۲ جامعه‌شناسی و زندگی روزانه

غلط	درست	دانسته‌های شما دربارهٔ غذا و فرهنگ جهانی چقدر است؟
		۱. پنیر غذایی جهانی است که مردم همه ملت‌ها و فرهنگ‌ها از آن لذت می‌برند.
		۲. در بعضی از فرهنگ‌ها، والدین کودکان خردسال، مصرف خوردنی‌های آماده را نماد خوشبختی می‌دانند.
		۳. کیک‌های عروسی در همهٔ کشورها، صرف نظر از فرهنگ یا منطقهٔ آنها، با مواد مشابهی تهیه می‌شود.
		۴. در بسیاری از مذاهب، غذا بخش مهمی از آداب مذهبی است.
		۵. در آشپزی اصیل چینی، روش‌های بخت و بزه دو کیفیت «ین» ^۲ و «یانگ» ^۳ تقسیم شده‌اند.
		۶. چون در آمریکا، زندگی آهنگ سریعی دارد، به طور منطقی، همهٔ مردم در منزل به غذاهای مختلط و فوری، در خارج از منزل به غذاهای آماده متکی‌اند.
		۷. گوجه‌فرنگی بخش اصلی و بسیار رایج برنامه غذایی نسل اول و دوم مهاجرانی است که چهل سال قبل وارد آمریکا شده‌اند.
		۸. از دیدگاه جامعه‌شناسان، مردم در مواردی که فردی از یک فرهنگ دیگر، ترجیحات غذایی یا سنت‌های فرهنگی مربوط به غذا خوردن آنان را درک نمی‌کند، حتی اگر آن فرد «خارجی» یا «گردشگر» باشد، از او می‌رنجند.

۲. Yin در فلسفه چینی اصل ما دینه جهانی است

۳. Yang در فلسفه چینی اصل نرینه جهانی است

فرهنگ مادی و غیر مادی

جعبه ابزارهای فرهنگی ما به دو قسمت تقسیم شده است: فرهنگ مادی و فرهنگ غیر مادی (گیرن، ۱۹۶۶/۱۹۲۲). فرهنگ مادی شامل ساخته‌های فیزیکی یا محسوسی است که اعضای جامعه آنها را می‌سازند، به کار می‌برند و دیگران را در آن سهیم می‌کنند. در ابتدا مؤلفه‌های فرهنگ مادی با مواد یا منابع خامی مثل سنگ معدن، درختان و نفت آغاز شد. با پیشرفت فناوری، این مواد خام به عناصر کاربردی تبدیل شدند (از کتاب‌ها و رایانه‌ها تا سلاح‌ها و تانک‌ها را دربر می‌گیرد). جامعه‌شناسان، فناوری را این گونه تعریف می‌کنند: دانش، فن و ابزارهایی که امکان تبدیل منابع به اشکال کاربردی را به مردم می‌دهد و مستلزم دانش و مهارت‌های استفاده از آنها پس از این تبدیل است. از این دیدگاه، فناوری هم عینی است و هم انتزاعی. برای مثال، فناوری ساخت قیچی به دانش و مهارت‌هایی نیاز دارد که آهن، کربن و کروم را تبدیل به قیچی کند (وستروم، ۱۹۹۱). در ابتدای ترین سطح، فرهنگ مادی به این دلیل مهم است که در برابر محیط از ما محافظت می‌کند. مثلاً ما پناهگاه (مسکن) می‌سازیم تا در برابر هوا از خویشتن محافظت کنیم و فضایی خصوصی داشته باشیم. فراتر از سطح بقا، مائشایی را می‌سازیم، به کار می‌بریم و به دیگران می‌دهیم که برایمان مهم و جالب هستند. شما چرا امروز این لباس خاص را پوشیده‌اید؟ شاید می‌خواهید پیامی را درباره خودتان منتقل کنید. مثلاً جایی که می‌خواهید بروید، موزیکی که دوست دارید، یا جایی که در تعطیلات رختابید.

فرهنگ غیر مادی شامل آن دسته از ساخته‌های اجتماعی غیر محسوس یا انتزاعی انسان است که بر رفتار مردم تاثیر می‌گذارد. زبان، باورها، ارزش‌ها، قواعد رفتاری، الگوهای خانواده و نظام‌های سیاسی، نمونه‌هایی از فرهنگ غیر مادی هستند. حتی حرکت و حالت‌هایی که در مروده‌های روزانه به کار می‌بریم، بخشی از این فرهنگ هستند. همان طوری که بسیاری از گردشگران و بازرگانان بین‌المللی دریافته‌اند، شناختن معنی حرکات و حالت‌ها در کشورهای مختلف، اهمیت بسیار زیادی دارد (شکل ۱-۲ را ملاحظه کنید).

فرهنگ دانش، زبان، ارزش‌ها، آداب و رسوم و اشیای مادی گروه یا جامعه انسانی که از یک فرد به دیگری یا از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود.

فرهنگ مادی، بخشی از فرهنگ و شامل ساخته‌های فیزیکی و محسوسی است که اعضای جامعه آنها را می‌سازند. به کار می‌برند و دیگران را در آن سهیم می‌کنند.

بلند کردن انگشت کوچک و انگشت اشاره دست و پایین نگه داشتن دو انگشت وسطی علامتی است که در دانشگاه تکراس برای بیان حمایت از تیم‌های ورزشی به کار می‌رود، در حالی که همین حرکت برای میلیون‌ها ایتالیایی یعنی «همسر شما وفادار نیست». در آرژانتین چرخاندن انگشت اشاره در قسمت جلو گوش یعنی «کسی پشت تلفن شما را می‌خواهد» (یا تلفن دارید)، اما در آمریکا معمولاً یعنی «به نظرم فلائی دیوانه است» (اکسل، ۱۹۹۱). به همین ترتیب، درست کردن دایره با انگشت اشاره و انگشت بزرگ در آمریکا یعنی «عالی است» اما در تونس یعنی «تو را می‌کشم» (سام وار و پورتر، ۱۹۹۱).



همان طور که مثال‌های حرکات دست نشان می‌دهد، عنصر اصلی فرهنگ غیر مادی، باورهاست - پذیرش ذهنی یا ایمان به واقعی یا درست بودن چیزی. باورها ممکن است مبتنی بر سنت، اعتقاد، تجربه، تحقیق علمی یا ترکیبی از این موارد باشند. ایمان به والایی و حقایق فردی نمونه‌های دیگر از این باورهاست. ما ممکن است به مؤلفه‌های فرهنگ مادی اعتقاد داشته باشیم. برای مثال، وقتی با هواپیما سفر می‌کنیم، می‌دانیم که برای رسیدن به مقصد ممکن است تا ارتفاع ۳۳۰۰۰ پایی نیز پرواز کنیم و چنین کاری جز با هواپیما امکان پذیر نیست.

شکل ۱-۲ حرکات دست با معانی مختلف مسافران و بازرگانان بین‌المللی دریافته‌اند که حرکات دست ممکن است در کشورهای مختلف معانی متفاوتی داشته باشد.

مؤلفه‌های فرهنگی جهانی

چون همه انسان‌ها نیازهای اساسی مشترکی دارند (مثل نیاز به غذا، لباس و سرپناه)، درگیر فعالیت‌های مشابهی می‌شوند که به بقای آنها کمک می‌کند. جرج مورداک مردم‌شناس (۱۹۴۵: ۱۲۴)، فهرست بیش از هفتاد مؤلفه فرهنگی جهانی را تهیه کرد - آداب و عملکردهایی که در همه جوامع رخ می‌دهند. طبقه‌بندی‌های وی عبارت بودند از: ظاهر فرد (مثل زیورآلات بدنی و شکل مو)، فعالیت‌ها (مثل ورزش‌ها، بازی‌ها، لطیفه گفتن و دید و باز دید)، نهادهای اجتماعی (مثل خانواده، قانون و مذهب)، کارهای متداول (مثل آشپزی، فرهنگ عامه، هدیه دادن و بستری شدن در بیمارستان). این آداب و عملکردهای همگانی گرچه در همه فرهنگ‌ها وجود دارد، شکل‌های خاص آن در بین گروه‌های مختلف و در یک گروه معین طی دوره‌های مختلف، متفاوت است. برای مثال، گرچه لطیفه گفتن ممکن است کاری جهانی باشد، آنچه لطیفه تلقی می‌شود ممکن است در جوامع مختلف، متفاوت باشد.